

شبان میرشکرایی، مسئول تهیه و تدوین پرونده جهانی یلدا:

یلدا جشن بلندترین شب سال نیست شکرگزاری برای آغاز فزونی روشنایی است

محبوبه قربانی
شبان میرشکرایی، مسئول تهیه و تدوین پرونده جهانی «یلدا» و پژوهشگر میراث فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: بر خلاف برخی تصورات یلدا جشن

بلندترین شب سال نیست، بلکه جشن آغاز فزونی و روشنایی است. به گفته وی یلدا گذر از بلندترین شب سال و رسیدن به سپیده نخستین روز زمستان است. این انقلاب زمستانی با دورهمی و گرمای همدلی خانواده‌ها به خوبی می‌گذرد و این جشن با وعده سپیده دم به پایان می‌رسد. ادامه این نوشتار گفته‌های این پژوهشگر درباره یلدا و فلسفه و کارکردهای آن آیین کهن است.

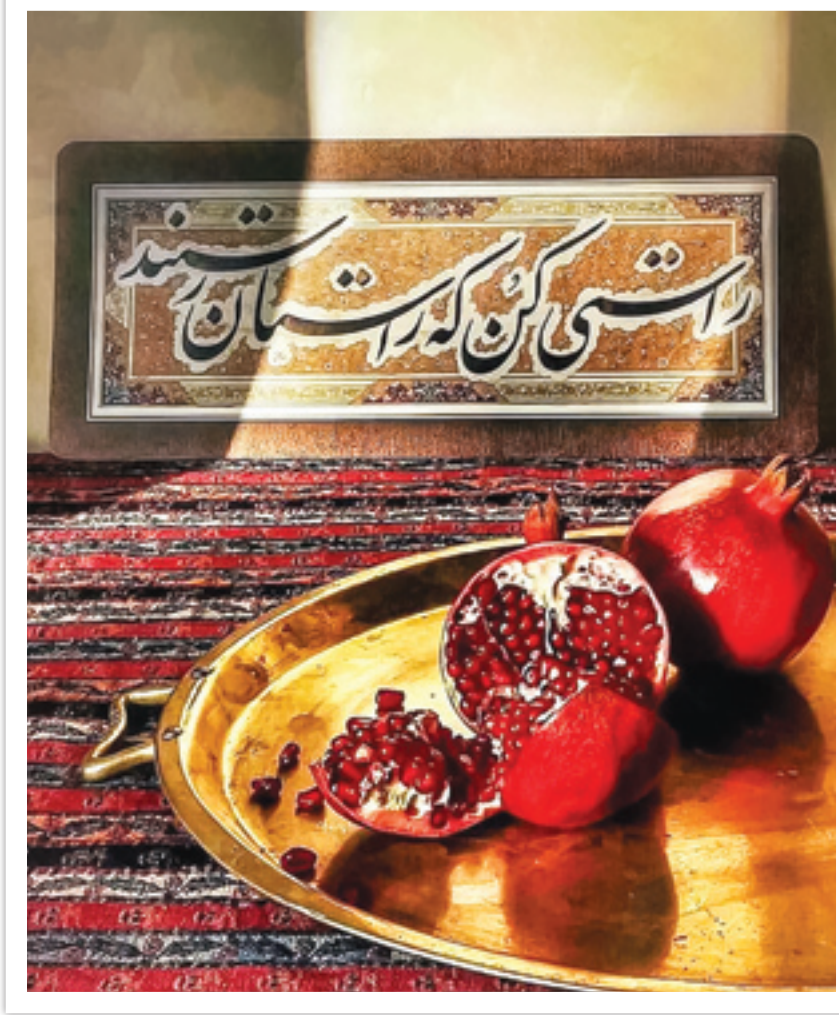
یلدا جشن زایش نور است

یلدا آغازی بی‌آغاز دارد. پیشینه یلدا همزمان است با درک انسانی که در این حوزه جغرافیایی زیسته و در اثر تجربه زیستی، به درکی از تحولات طبیعی و تأثیر آن بر زندگی خود رسیده است. او درک کرد زمانی که در ظاهر برای او سردترین و تاریک‌ترین زمان سال است، در حقیقت آغاز فزونی روشنایی و افزایش تابش نور بر زیستگاهش و آغاز طولانی تر شدن روزهاست. از این رو به شکر آنچه از طبیعتش به او رسیده بود پرداخت. واژه جشن در فارسی به معنی شکرگزاری است و یلدا هم خانواده با تولد و زایش است، بنابراین جشن یلدا در واقع شکرگزاری برای زایش نور است. پس یلدا جشن بلندترین شب سال نیست بلکه جشن آغاز فزونی روشنایی و طولانی تر شدن روزهاست. یلدا نشانه آن است که حتی در تاریک‌ترین زمان، سخت‌ترین زمان، باید دنبال امید بود و آنرا جست‌وجو کرد. به نظر این مهم‌ترین مفاهیمی است که بشر در طول تاریخ به آن رسیده است. این فکر اشتباهی است که فکر می‌کنیم طولانی‌ترین شب سال را جشن می‌گیریم در حالیکه یلدا جشن آغاز فزونی روشنایی است. در چله زمستان (وسط زمستان) در ست در جایی که تاریکی به اوج خود می‌رسد آغاز روشنایی است. این بزرگ‌ترین مفهومی است که می‌تواند در یلدا داشته باشیم.

آنچه امروز از یلدا می‌شناسیم در واقع بازمانده آدابی است که با اسطوره مهر یا میترا ارتباط دارد؛ ایزدی پیش زردشتی که آثار بسیاری از آن در جای جای فرهنگ ما قابل مشاهده است. مهر ایزدی کلاماغیر مادی است که در واقع ایزد نور است. آداب این جشن نیز به تولد مهر اشاره دارد. نشانه آن هم سرخی بعد از غروب آفتاب و سرخی پیش از طلوع آفتاب است. به همین خاطر مهر اجزاء سفزه یلدا سرخ رنگ است. اثار که میوه آفتاب است سفره یلدا است هم یک میوه اسطوره‌ای و در ارتباط با مهر و اردوی سوسر اناهیتا (ایزدبانوی آب‌ها) است. یلدا متعاقب خودش جشنی به نام خرم روز در ظهیر اول دیماه داشته است که همچنان در استان کردستان به این نام می‌گویند (مهر می‌رسد در ادامه یلدا زنده و جاری است. پس یلدا ریشه در تمام تاریخ زیست انسان در این حوزه جغرافیایی دارد.

یلدا تمام شاخصه‌های جهانی شدن را داشت

در کنواسیون ۲۰۰۳ میراث ناملموس برای معرفی یلدا یابد چند



یلدا آغازی بی‌آغاز دارد. پیشینه یلدا همزمان است با درک انسانی که در این حوزه جغرافیایی زیسته و در اثر تجربه زیستی، به درکی از تحولات طبیعی و تأثیر آن بر زندگی خود رسیده است. او درک کرد زمانی که در ظاهر برای او سردترین و تاریک‌ترین زمان سال است، در حقیقت آغاز فزونی روشنایی و افزایش تابش نور بر زیستگاهش و آغاز طولانی‌تر شدن روزهاست

تعامل انسان با طبیعت است که در طی تاریخ حتی با حکم‌رمایی هر چرایی تغییر می‌کند چرا که تقابلی با هم ندارند. به همین دلیل این مناسبت‌ها در طی هزارها سال بدون تغییرات ساختاری باقی مانده و به دست ما رسیده است. زمانش ثابت و عناصری که به این جشن‌ها می‌پردازند نیز ثابت است. این ارزش‌ها نه کاهنده و نه افزایش‌دهنده است. چراکه این فرهنگ‌ها اتفاقاتی است که متناسب با آن زمان، تعاملاتی اتفاق می‌افتد و کسی به کسی ارزش نمی‌دهد. چراکه مبنای ارزش در موضوع میراث فرهنگی یک موضوع مقایسه‌ای نیست. یعنی در میراث فرهنگی ناملوموس نمی‌توانیم بگوییم پرونده نوروژ پرونده مهم‌تری است یا پرونده جشن سعیدی یا پرونده هنر ساخت و نواختن عود. نمی‌توان گفت کدام نسبت به دیگری مهم‌تر است. به همین دلیل هیچ موضوعی نمی‌تواند باعث ارزشمندتر شدن شود.

مفاهیم یلدا را تبیین کنیم

یلدا انقدر گسترده است که نمی‌توان بیشتر از این نشرش داد ولی می‌توان مفاهیم آن را روشن تر کرد. به طور مثال شائبه - یلدا طولانی‌ترین شب سال است - را برطرف کنیم. در مثال دیگر نحسی ۱۳ به‌درا، است. دنیا را به توان فرهنگی خودمان و نگاه عمیق‌مان به طبیعت بشناسانیم. یلدا با ما زنده است، روزی می‌آید که او هنوز هست و ما نیستیم، بنابراین نیازی به نشر و توسعه ندارد.

بزرگ‌ترین عامل تأثیرگذار نه فقط در مورد یلدا بلکه هر موضوع دیگری این است که خانواده‌ها آگاهی خود را نسبت به ریشه‌های خود افزایش دهند. کسی که نسبت به ریشه‌های خود، هویت خود، آگاهی صحیحی ندارد نتوانش پیش به این سمت می‌رود که هر چیزی در طرف خالی او ریخته می‌شود. به نظر مردم باید تلاش کنند آگاهی فرهنگی خودشان را افزایش دهند. منابعی که به آن رجوع می‌کنند نیز مهم است. باید از منابع صحیح اطلاعات‌تان را نسبت به ریشه‌های فرهنگی، داشته‌های فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی خودشان افزایش دهند. درباره پرونده یلدا، آثار در سایت یونسکو است که می‌توانند آنرا مطالعه کنند. هر اثری که ثبت می‌شود درباره آن مطالعه کنند. دفتر ثبت وزارت میراث فرهنگی نیز پیشنهاد می‌شود و خانواده‌ها بدون آنکه وقت زیادی صرف کنند می‌توانند اطلاعاتشان را افزایش دهند.

در این پرونده بیفتد، فارغ از بعضی مشکلات در مواضع دیگر، سر یک میز می‌نشینند و مشکلات مردم نیست. دوم اینکه تکلیف این میراث برای انتقال به نسل آینده چگونه است و چه ساز و کاری آنرا نگه داشته و انتقال می‌دهد. اقدامات پس‌دارنده آن نیز بیان شود. این مواردی است که ارزش یک پرونده را برای ثبت یک میراث ناملموس مشخص می‌کند. از آنجایی که یلدا همه این موارد را داشت ثبت جهانی شد. کشور ما به لحاظ داشتن میراث ناملموس از جمله کشورهای موفق در یونسکو است. پرونده نوروژ نیز یک پرونده کاملاً مبتنی بر فرهنگ و مبتنی بر طبیعت بود بنابراین تضادی با کسی ندارد به همین دلیل ۱۲ کشور را در این پرونده دور هم جمع و همراه کرد. این کشورها ممکن است خیلی وقت‌ها مواضع و مشکلاتی داشته باشند اما اگر هر اتفاقی



محمدحسن طالبیان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و پیش‌کنسوت حوزه میراث فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: یلدا سنتی اجتماعی است که ستون فقرات آن خانواده و فامیل و این آیین موجب استحکام روابط خانوادگی و فامیلی است.

به گفته وی یلدا یک سنت اجتماعی دیرینه است و بسیاری از سنت‌های اجتماعی از قبیل جشن‌ها و آیین‌ها با تغییرات فصلی و امور کشاورزی ارتباط دارند. مانند جشن نوروز که آغاز فصل بهار است یا جشن مهرگان که با زمان برداشت محصولات کشاورزی مقارن است. یلدا هم که طولانی‌ترین شب سال بوده شمی است که از فرای آن طول روز افزایش می‌یابد. در واقع در اندیشه یلدا روز اول دی (فرای یلدا) روز تولد خورشید است. کلمه یلدا واژه‌ای سریانی است و هم‌ریشه با ولادت و تولد است که کلماتی عربی هستند. زبان‌های سریانی و عربی هر دو از خانواده‌ی زبان‌های سامی و دارای مشترکات بسیار هستند.

طالبیان با اشاره به اینکه ترویج سنت‌های اجتماعی تقویت روابط اجتماعی و تحکیم مناسبات اجتماعی را به همراه دارد اظهار می‌دارد: یلدا سنتی اجتماعی است که خانواده و فامیل حکم ستون فقرات آن را دارد و این آیین موجب استحکام روابط خانوادگی و فامیلی می‌شود. بی‌تردید از میان ده‌ها آیین و سنت زمستانی رایج در نقاط مختلف ایران، این گسترده‌ترین و ماندگارترین آیین زمستانی ایرانی است. معاون میراث فرهنگی پیشین وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درباره روند ثبت جهانی یلدا می‌گوید: ثبت جهانی یلدا در فهرست معرفی میراث فرهنگی ناملموس بشری در سال ۲۰۰۳ و به صورت مشترک با افغانستان انجام گرفت. البته واضح است که مدیریت پرونده به عهده ایران بود ولی از آنجا که ثبت‌های مشترک برای یونسکو اولویت دارند، یلدا به صورت مشترک به ثبت رسید. ضمن اینکه پیام مهم و روح کنوانسیون ناملموس، صلح و وحدت بین فرهنگ‌ها و کشورهای است و پرونده‌های مشترک از این حیث از ارزش والایی برخوردارند.

این پیش‌کنسوت حوزه میراث فرهنگی، در پاسخ به این سؤال که اصالت یلدا را چگونه می‌توان حفظ کرد اظهار می‌دارد: ثبت جهانی میراث فرهنگی ناملموس در چهار صوبه کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس انجام می‌گیرد. از منظر کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس (کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو)، میراث فرهنگی ناملموس میراثی زنده و پویا و در حال تغییر مداوم تعریف می‌شود. به همین دلیل اصالت در معنای کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد مصادیق میراث ناملموس فاقد موضوعیت است. کشور‌های عضو کنوانسیون ۲۰۰۳ متعهد به پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس خود و احترام به میراث فرهنگی ناملموس دیگران هستند. مطابق این کنوانسیون پاسداری، کمک به ادامه حیات طبیعی میراث است. تردیدی نیست که حیات طبیعی تمامی سنت‌های اجتماعی به دلیل انطباق آنها با شرایط و اقتضات روز همواره توأم با تغییر و تطبیق با شرایط جدید است. همین جاست که خلاقیت حاملان میراث فرهنگی تجلی می‌یابد. حاملان میراث ناملموس به مدد خلاقیت خود میراث ناملموس یا میراث زنده را با شرایط روز منطبق می‌کنند و این یعنی تغییر مداوم. بنابراین اصالت به معنایی که در مورد میراث ملموس در ذهن ماست در کنوانسیون ۲۰۰۳ به کار نمی‌رود.

به اعتقاد وی حفظ هویت به معنای با مستلزم حفظ اصالت سنت بدون احتساب خلاقیت با ارزش نسل‌ها در طول زمان نیست. بخشی از هویت ما ایرانی‌ها، آداب و رسوم و آیین‌های اجتماعی است. تلاش برای حفظ و ترویج گونه‌های منسوخ از میراث فرهنگی ناملموس که پویایی و ارزش‌های نسل‌ها را به همراه ندارد شناکردن بر خلاف جریان آب و کاری بیهوده است. مسلماً نام هر میراث ناملموس جزئی از هویت جادایی ناپذیر از آن عنصر میراثی است که ریشه تاریخی و مردمی و معنایی دارد و ثبت ملی و جهانی اثر نیز بر مبنای آن صورت می‌گیرد.

۸ نکته درباره دورهمی بلندترین شب سال

یلدا و حس خوب باهم بودن

مینا محمد دوست*
شاید گرافه نباشد اگر بگوییم ما مردمی هستیم که تلقین از کامل‌ترین شکل دین و فرهنگ را داریم. البته عادی شدن، واقعا

آفتی است که فکر ما را از توجه به شکوه برخی آیین‌ها دور نگه می‌دارد. همان‌طور که می‌دانیم چه در مسائل دینی و چه در فرهنگ‌مان تأکید‌های فزوانی بر صله ارحام و دورهمی‌ها داشته‌ایم و صد البته در نیای امروزی با توجه به پدیده‌های به نام شبکه‌های مجازی ضرورت حفظ آیین‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد. به خاطر دارم در سه سال‌های نه‌ندان دور که در تباطات مجازی تا آن حد نبود، ما مردمی بودیم بسیار اجتماعی! دل خوش با تمامی چالش‌های مختص آن برهه زمانی! متأسفانه در برخی جنبه‌ها، تغییرات چنان می‌تازد که گویی با عادات چند دهه کوتاه زندگی گذشته خود قرن‌ها فاصله گرفته‌ایم؟! به چه قیمت؟! به چه قیمت کمتر شدن دلخوشی‌های بسیار قابل دسترس و این خوب نیست! بیایید نگاه کوتاه از جنبه روان‌شناختی به دورهمی و میهمانی‌ها داشته باشیم.

حسن خوب باهم بودن: انسان موجودی اجتماعی است. بخشی‌های مهمی از شخصیت‌ما در تعاملات امن اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنین بودن در جمع و حس تعلق داشتن به گروه، حسب امنیت خاطر ما می‌شود. تعریف کردن خاطرات، به خصوص خاطرات مشترک با افراد حاضر در جمع، به شدت حس تعلق خاطر ما را تسکین می‌دهد. اینکه من پیوندی با دیگران دارم که با گذشت زمان، همچنان ناگسستگی است، به لحاظ معنوی بسیار حس ارزشمندی است. قطعاً همگی بارها این صحنه دلنشین را دیده‌ایم که نوزادان هنگام دیدن چه‌په‌اری آشنا لیجندی بر لب می‌آورند که

۲ فضای برای یادگیری

۳ بازمی‌آوردن

۴ باز می‌آوردن

۵ باز می‌آوردن

۶ باز می‌آوردن

نشانه‌ای از تکامل و رشد اجتماعی آنهاست. این حس خوب در مغز ما هم، هنگام دیدن افراد آشنا ایجاد می‌شود. موافقید یا بودن در یک میهمانی ساده این حس خوب را به مغز خود هدیه دهیم؟

فشار برای یادگیری: دورهمی یلدا فرصتی برای آموختن است. ما در جمع یاد می‌گیریم و یاد می‌دهیم. در دنیای شلوغ امروزی در بیشتر موارد در تعاملات رسمی هستیم. البته نیاز ما فراتر از رابطه‌های خشک و رسمی است. ما نیاز به داشتن روابط صمیمی داریم. در دور همی‌ها فرصتی به دست می‌آید که هر شخصی بتواند با هم‌سن و هم‌طراز خود به دور از هرگونه رسمیت ارتباط داشته باشد. اصلاً فرار نیست همه چیز را با سختی و گذاردن دوره‌های سخت بیاموزیم؛ که البته در جایگاه خود چنین یادگیری‌ها نیز ارزشمند است. اما با بودن در جمع‌های صمیمی چه به لحاظ رفتاری، چه به لحاظ علمی، در قالب گفت‌وگوهای ساده بسیاری می‌توان آموخت و تجربه کرد.

بازی و سرگرمی بچه‌ها: میهمانی‌ها هم چنین فرصتی است برای ابراز وجود و بازی‌های گروهی فرزندان. در نظر داشته باشیم کودکان نیز نیاز دارند در محیطی خارج از مهد و هرگونه کلاس‌های آموزشی ساعت‌هایی صرفاً خودشان باشند. در مکان امنی که پدر و مادر هم سرکار نبوده و همین نزدیکی حضور دارند.

گوشی‌های خاموش: ما هم در دین‌مان، هم در فرهنگ‌مان تأکید بر کنار هم بودن داریم. از این فرصت به عنوان بهانه برای میهمانی‌ها استفاده کنیم. از بزرگان خانواده دعوت کنیم کنارمان باشند. «حال» را اغنیتم شماریم. برای چند ساعت از گوشی‌ها فاصله بگیریم؛ نگران نباشیم! گردش زمین در عظمت کوهکشان میلیاردها سال است با نظم وصف‌ناپذیر تحت اراده خالق یکتا در مدار گردش خود می‌باشد. پس لطفاً گوشی‌ها را کنار گذاشته و در جمع باشیم. بنایست در این چند ساعت با دور

عبار داشته باشد تا بر اساس آن ثبت انجام شود. اینکه آن میراث زنده است و هنوز وجود دارد و مرده نیست. دوم اینکه تکلیف این میراث برای انتقال به نسل آینده چگونه است و چه ساز و کاری آنرا نگه داشته و انتقال می‌دهد. اقدامات پس‌دارنده آن نیز بیان شود. این مواردی است که ارزش یک پرونده را برای ثبت یک میراث ناملموس مشخص می‌کند. از آنجایی که یلدا همه این موارد را داشت ثبت جهانی شد. کشور ما به لحاظ داشتن میراث ناملموس از جمله کشورهای موفق در یونسکو است. پرونده نوروژ نیز یک پرونده کاملاً مبتنی بر فرهنگ و مبتنی بر طبیعت بود بنابراین تضادی با کسی ندارد به همین دلیل ۱۲ کشور را در این پرونده دور هم جمع و همراه کرد. این کشورها ممکن است خیلی وقت‌ها مواضع و مشکلاتی داشته باشند اما اگر هر اتفاقی



چنین آثار قابل توجهی خلق کرده‌اند این شب را بهانه‌ای برای درک بهتر قرار دهیم.

سفرهای ساده و صمیمی: سفره سمبلی از برکت پروردگار است. سفره یلدایی پهن کنیم، اما نه با تجملات. نفس نفس‌های آیین چینیسی، صرفاً دورهمی ست. این اصل را حفظ کنیم، مابقی تشریفات است. یادمان باشد شب یلدا و آنچه در خانه من می‌گذرد «حریم خصوصی» من است. لطفاً با نمایش عکس‌های پر زرق و برق در صفحه‌های مجازی دیگران را به این حریم خصوصی دعوت نکنیم. آن چه در این شب، در خانه من اتفاق افتاده مخصوص من و اعضای است که با هم بودیم. اگر لازم به صورت است، یک متن زیبا در شبکه کافی است.

پیشنهادات و اتفاق: منصف و اهل اتفاق باشیم! حداقل ماهی یک بار مخصوصاً در شب‌هایی که مراسم‌های همگانی برپاست، یک وعده، غذای سبک میل کنیم و وعده آن روز را به دست نیازمندی برسانیم. در کتاب مقدس و آسمانی ما تأکید بر اتفاق شده و اساس جشن اجاد ما بهره‌مند کردن دیگران از نداشته‌ها بوده است.

مشاور و روانشناس

بودن ما ز گوشه، خللی در نظم جهان ایجاد شود!

تم اخلاقی به جای تم لباس: وضعیت اقتصادی را در نظر بگیریم! با عزیزی که مایلیم کنار هم باشیم صحبت کنیم هیچ ایرادی ندارد هر کس مسئول تهیه بخشی از وسایل پذیرایی باشد. بار روی دوش یک نفر نگذاریم. بنا نیست میهمانی یک شب، به سنگینی اتمام حقوق یک ماه کارمند باشد.

به جای تم لباس (البته اگر با وسایل موجود تهیه شود چه بسا تنوع رنگ‌ها دلپسند برای نشاط باشد)، تم اخلاقی پیاده کنیم. مثلاً: امشب برای تمرین که امید به چرقه‌ای به ادامه باشد «غیبت ممنوع». یا هر فضیلتی که به ذهن شما می‌رسد. در مورد پوشش، لباسی که آراسته باشد واقعا کافی است. بیایید برای میهمانی‌ها لباس پوشیم. البته چشم زیبا پسند است، اما برای کسب این زیبایی خود را به زحمت نیندازیم در عوض خاص و انسان‌گونه رفتار کنیم.

تفسیر حافظ به جای نقال: در این شب بهانه‌ای برایشیم برای حافظ خوانی و تفسیر یکی از ابیات، نه صرفاً «تفالی بر حافظ». بزرگان ادبیات این مرز و بوم قطعاً در کی عمیق از مفاهیم دینی و معنوی ما داشته‌اند که